

حقوق ورزش در گفتگو با دکتر حسین آقایی نیا

تهیه و تنظیم: محسن نامی

اشاره:

جناب دکتر حسین آقایی نیا متولد سال ۱۳۲۳ در تهران است. تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در این شهر گذرانده و در سال ۱۳۵۹ با کسب مدرک دکترای حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده است. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان «مبانی مسؤولیت کیفری» و عنوان رساله‌ی دکترای ایشان بررسی ماده (۴۲) قانون مجازات عمومی است.

وی تا به حال مؤلف چندین عنوان کتاب از جمله کلیات حقوق، حقوق ورزشی، حقوق جزای اختصاصی، تعلیق مراقبتی، مبانی مسؤولیت مدنی در ورزش و قتل در نظام کیفری ایالات متحده بوده، و حدود ۱۲ مقاله در مجلات معتبر علمی و پژوهشی به چاپ رسانده است.

دکتر آقایی نیا در طول این سال‌ها در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، امام صادق(ع)، علوم قضایی، دانشکده‌های تربیت بدنی و کلاس‌های آموزش قضات به تدریس حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، متون حقوقی پیشرفته و حقوق ورزشی پرداخته است.

ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و معاونت دانشجویی _ فرهنگی این دانشکده است.

دکتر آقایی نیا در این گفتگو ابعاد مختلف حقوق ورزشی و مسؤولیت‌های دست اندرکاران امر ورزش را مورد بررسی قرار داده است.

منظور از حقوق ورزش چیست؟

منظور ما از حقوق ورزشی مجموعه مقرراتی است که بر تمامی امور ورزش حاکم است اعم از ورزشکاران، مدیران فنی، تماشاگران، مدیریت‌های ستادی ورزش، پزشکان ورزشی، سازندگان لوازم ورزشی و فروشندگان لوازم ورزشی و بالاخره کارکنان سازمان‌های ورزشی. این یک تعریف کلی است یعنی مجموعه قواعد و قوانین حاکم بر کل ورزش.

- ظاهراً مهم‌ترین بخش حقوق ورزش، قواعد و مقررات مرتبط با ورزشکاران و مسؤولیت‌های ناشی از حوادث ورزشی است؛ لطفاً بفرمایید که در کشورهای مختلف جهان با این قبیل حوادث که در حین رویدادهای ورزشی رخ می‌دهند، چه برخوردی شده است؟

- به طور کلی در همه‌ی کشورهای دنیا ورزش از حمایت‌های عمومی خاصی برخوردار است، چون اهداف ورزش در واقع تربیت نسل، برومندی، توانمندی، نشاط، سلامتی و بالاخره آماده‌سازی مهم‌ترین رکن توسعه یعنی انسان است و نباید از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن به سادگی گذشت و به همین دلیل برای حمایت از این فعالیت و این نهاد، قوانین و امتیازات بسیار ویژه‌ای را در نظر گرفته‌اند. منتها شکل اعطای این امتیازات متفاوت است؛ گاهی به صورت قوانین صریح و گاهی به صورت ضمنی و گاهی هم در قالب رویه‌های قضایی عملیات ورزش از این امتیازات برخوردار می‌شود. ولی چون هدف ورزش به طور کلی در تمام دنیا همین مباحثی است که عرض کردم، حکومت‌ها هزینه‌ی آن را پرداخت می‌کنند و حوادث ورزش را از شمول حوادثی که در کوچه و خیابان اتفاق می‌افتد کاملاً جدا می‌کنند؛ هر چند از لحاظ نتیجه یکی باشند. چون در اینجا اهداف دیگری مدنظر است.

- حقوق ایران چگونه به این بحث پرداخته است؟

در ایران، خوش‌بختانه از سال ۵۲ به طور صریح در مورد صدمات ناشی از حوادث ورزشی قانون داریم و بعد از انقلاب هم همان ماده (۴۲) سابق، در قانون مجازات عمومی تأیید شد و فقط یک جمله‌ای به آن اضافه شد و آن این که: «آن مقررات هم با موازین شرعی مغایرت نداشته باشد.» بنابراین ما در حال حاضر، در مورد عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن قانون خاص داریم که به موجب آن، این حوادث از امتیاز علل موجهه استفاده می‌کنند و مرتکب با رعایت شرایط مذکور در ماده قانونی هیچ‌گونه مسؤولیت اعم از کیفری و مدنی نخواهد داشت.

- آیا ورزشکاران در برابر تمام رخدادهایی در حین عملیات ورزشی صورت می‌گیرد؛ مثلاً فحاشی‌های نژادپرستانه که بعضاً برخی به خاطر هیجانات ناشی از عملیات ورزشی مرتکب آن می‌شوند نیز مصون هستند؟

- ببینید اولاً ماده قانونی مذکور، ناظر است به حوادث ناشی از عملیات ورزشی، تماشاگران مشمول این امتیاز نیستند، توهین و فحاشی عملیات ورزشی محسوب نمی‌شود تا از امتیاز مصونیت برخوردار باشد. تازه خود آن عملیات ورزشی که در هر ورزش مشخص است، در صورتی در شمول علل موجهه قرار می‌گیرد که دو شرط داشته باشد. یکی این که آن عملیات ورزشی در چارچوب مقررات خاص آن ورزش انجام گیرد؛ بنابراین اگر ورزشکاری در جریان عملیات ورزشی مرتکب خطا بشود و خطای او منتهی به قتل، ضرب و جرح شود، او مجرم است و مجازات می‌شود اما با رعایت مقررات هر حادثه‌ای اتفاق بیفتد، جرم نیست. یعنی در واقع ورزش مجوز انتقام‌جویی و خشونت نیست. ورزش وسیله سلامتی، برومندی و نشاط است. اگر ورزشکار لگد بزند و این لگد برخلاف مقررات باشد، مثل این است که این کار را در خیابان انجام داده است و تعقیب می‌شود. پس اگر در فوتبال یا هر ورزش دیگری ورزشکار در چارچوب مقررات اقدام کرد و طرف مقابل فوت کرد، مسؤول نیست. مثلاً فرض کنید یک کشتی‌گیری، حریفش را روی پل می‌برد و برابر مقررات، او را روی پل نگه می‌دارد، کشتی‌گیری که مقاومت می‌کند ممکن است قطع نخاع شود. ما برای مجری فن مسؤولیت قائل نیستیم؛ مشروط بر این که در چارچوب مقررات فنی اجرای فن کرده باشد. یا در فوتبال، به هنگام ضربات ایستگاهی، بازیکن اجازه دارد با تمام قدرت به توپ ضربه بزند. اگر توپ به حریف برخورد کند و منجر به فوت او شود، بازیکن مسؤول نیست؛ چون مطابق مقررات این عمل را انجام داده است.

- حالا اگر مخالف مقررات ورزشی ولی در حین عملیات ورزشی صدمه‌ای به یک ورزشکار وارد شود، وضعیت به چه منوال است؟

- فرض کنید در کشتی بعضی از فنون ممنوع اعلام شده است؛ اگر کشتی‌گیر مثلاً فن کلاته را اعمال بکند و منتهی به نقص عضو و مرگ بشود، جرم محسوب شده و مجری فن مجازات می‌شود و یا در همین فوتبال اگر ضربه ایستگاهی که باید با اجازه داور زده شود، بازیکن قبل از سوت ضربه بزند و به حریف اصابت کند، خطا است و نتایج مجرمانه‌اش هم

گریبان گیر خاطی خواهد شد. مصونیت از مسؤولیت در ورزش شرط اولش رعایت کامل مقررات فنی همان ورزش است. و شرط دومش این است که این مقررات با موازین شرعی مغایرت نداشته باشد.

- پس آیا هیجانان و عصبانیت‌های ناشی از عملیات ورزشی که در حین مسابقات ایجاد می‌شود، دلیل موجهی برای مصونیت از مسؤولیت نیست؟

- عصبانیت عملیات ورزشی نیست، بله؛ ورزشکار در جریان عملیات ورزشی ممکن است عصبی شود. اگر دچار هیجان شد و عمل خطا کرد، خطا است و باید مجازات شود. مثل این است که کسی به دیگری فحاشی کند، او عصبانی شود و فحاش را بکشد که باید او را قصاص کرد. ممکن است هیجانان موجب تخفیف مجازات بشود ولی هیجان مجوز ارتکاب جرم نیست.

- بعد از بررسی مقررات مربوط به ورزشکاران، نوبت بحث از مدیران ورزشی است. مسؤولیت‌های مدیران ورزشی چگونه است؟

- مدیران دو گروه هستند. یک عده مدیران فنی مثل مربیان، سرمربیان، و معلمین ورزش که این‌ها نظارت مستقیم بر فعالیت‌های ورزشکار دارند. این افراد بر حسب شرایط ذهنی، جسمی و مهارت‌های ورزشکار و نوع ورزش، وظایف خاصی دارند و به طور کلی موظفند قبل از شروع ورزش از سلامتی کامل ورزشکار اطلاع حاصل کنند و تناسب بین میزان فعالیت و توانایی ورزشکار را تنظیم کنند. ملزم هستند در فعالیت ورزشی حضور مستمر داشته باشند. موظفند علاوه بر حضور مستمر، مراقبت کافی کرده، از خطرات جلوگیری نمایند. موظفند کمک‌های اولیه را بدانند و به هنگام ضرورت آن‌ها را اعمال کنند. در واقع مربی ورزش مسؤول حفاظت از تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی ورزشکار است. مثلاً فرض کنید اگر داور ببیند بازیکنی فن خطا اعمال می‌کند و از اعلام خطا خودداری بکند و فن اجرا شود، هم ورزشکار و هم داور هر دو ضامنند. یا اگر ناجی غریق محلش را ترک کند و برود و در غیابش کسی در استخر خفه شود، این‌ها ضامن‌اند. یعنی حضور، مراقبت، توجه به توانایی‌ها، بررسی شرایط جوی، همه‌ی این‌ها برای یک معلم ورزش ضروری است. اگر در هوای بسیار گرم بچه‌های مدرسه را مجبور به انجام فعالیت ورزشی کنند و دچار گرمازدگی شده و فوت کنند، معلم ضامن است. در بعضی از ورزش‌ها که ما به آن‌ها ورزش‌های بسیار خطرناک می‌گوییم، مثل ژیمناستیک، مربی فقط باید یک ورزشکار را تحت مراقبت قرار دهد. حق ندارد که ده تا ورزشکار را هم زمان روی ده تا اسباب،

مراقبت و کنترل کند. پس هر ورزش تابع شرایط و اوضاع و احوال مخصوص خودش است. مثلاً در مورد شنا، مساحت استخر، تعداد ورزشکار و تعداد ناجی غریق را آیین‌نامه مشخص کرده است. همچنین مربیان موظفند از وسایل ورزشی هم نظارت به عمل آورند؛ زیرا در مورد ایمنی وسایل ورزشی مسؤولیت دارند. در استخر باید در مواردی مثل آلوده نبودن و درجه حرارت آب و فضای اطراف استخر مراقبت شود که بررسی همه‌ی این‌ها به عهده‌ی سرناجی است.

دسته دوم مدیران، آن‌هایی هستند که با ورزشکار مواجه نیستند، بلکه مدیریت سخت‌افزاری ورزش را بر عهده دارند، مثل مدیر ورزشگاه. او مربی نیست ولی ملزم است به ایمنی تمامی اماکن ورزشگاه و تجهیزات آن توجه کند. باید بر سقف‌ها، برق، آب و همه‌ی تجهیزات ورزشگاه نظارت کامل داشته باشد و فضای ورزشگاه را محیطی امن و سالم، برای فعالیت‌های ورزشی نگه دارد. مثلاً اگر می‌بیند که سقف ورزشگاه در حال ریزش است و تعمیر نکند و سقف سقوط کند، به علت خودداری از انجام وظیفه، ضامن است. تجهیزات را باید به طور مرتب بازدید کند و در رفع اشکال آن‌ها بکوشد. در خصوص تعداد تماشاگران با توجه به ظرفیت ورزشگاه نظارت داشته باشد. فضای ورزشگاه را از لحاظ اخلاقی برای کودکان سلامت نگه دارد. بر کارمندان نظارت کامل داشته باشد. در واقع ورزشگاه محیطی است که والدین فرزندان خودشان را با اطمینان خاطر به دست مربی ورزش می‌سپارند و معلم ورزش امین مردم است، والدین امانتگذار هستند و تا زمان حضور کودکان در باشگاه، مربیان جانشین والدین‌اند و وظایف آن‌ها را برعهده دارند.

- با توجه به فرمایشات حضرت‌عالی در مورد مسؤولیت مدیران سخت‌افزاری ورزشی، در قضیه فوت پنج نفر از هموطنانمان در ورزشگاه آزادی، به هنگام بازی فوتبال بین ایران و ژاپن، چه کسانی مقصر بوده‌اند؟

- اشخاص مختلفی از جمله مدیر ورزشگاه، نیروی انتظامی و... می‌تواند ضامن باشند. این قضیه برمی‌گردد به صورت جلسه‌هایی که در آن تقسیم وظایف شده است. اگر چنین چیزی نباشد، در درجه اول مسؤولیت با مدیر ورزشگاه است. ولی در مسابقات بزرگ معمولاً یک دستورالعملی است که هر بخشی از مدیریت‌ها مسؤولیت مشخصی دارد و در صورت وقوع حادثه، باید بررسی شود که علت وقوع حادثه چه بوده است؟ دیر بازکردن درها بوده، یا تعداد درهایی که باید باز می‌شده کم بوده که موجب هجوم شده است؟ نکات متعددی در وقوع یک حادثه می‌توانند نقش داشته باشند. بنابراین به طور کلی نمی‌شود گفت مدیر ورزشگاه مسؤول است. باید بررسی شده و تقصیر افراد محرز شود.

- موضوع دیگری که حقوق ورزش در مورد آن بحث می‌کند، تماشاگران هستند. مباحث حقوقی مرتبط با تماشاگران ورزش به چه ترتیب است؟

- راجع به تماشاگران باید گفت که وقتی آن‌ها وارد ورزشگاه می‌شوند، به‌طور کلی حوادث طبیعی ناشی از روی داد ورزشی را می‌پذیرند. یعنی کسی که بلیط می‌خرد و در قسمت تماشاگران می‌نشیند، پذیرفته است که ممکن است تویی سرگردان به او اصابت کند. اما با این حال مدیریت ورزشگاه در قبال آن‌ها مسؤول است یعنی باید جایگاه‌ها ایمن باشد. ما شاهدیم که در نقاط مختلف دنیا، گاهی جایگاه سقوط می‌کند و چند صد نفر کشته می‌شوند. در این‌جا مسؤول، مدیر ورزشگاه است که باید با بازدیدهای دوره‌ای از این حوادث، جلوگیری می‌کرده است. پس یکی وظایف حمایتی است که باید از تماشاگران در ورزشگاه به عمل بیاوریم. حوادث بیرون ورزشگاه به حقوق ورزش ارتباطی ندارد. مثلاً فرض کنید مشکلات ناشی از تردد اتومبیل‌ها و خساراتی که به وسایل نقلیه عمومی وارد می‌شود به جامعه‌ی ورزش و در نتیجه حقوق ورزش مربوط نیست. تماشاگران از وقتی که داخل ورزشگاه می‌شوند، موضوع حقوق ورزش واقع می‌شوند. به هنگام مسابقات بزرگ، حضور آمبولانس نه تنها برای ورزشکاران، بلکه برای تماشاگران هم ضروری است تجهیزاتی که در ورزشگاه است مثل آب بهداشتی باید مورد توجه واقع شود. پس اگر در ورزشگاهی به این امر توجه نشده و تماشاگران به خاطر استفاده از آب غیر بهداشتی مسموم شوند، مدیریت ورزشگاه ضامن است. مسؤول برگزاری مسابقه باید جواب‌گو باشد. تماشاگر اجازه دارد که در ورزشگاه تیم خودش را تشویق کند، ولی به هیچ وجه در قبال تخلفات مجرمانه اش از مصونیتی برخوردار نیست. توهین کردن، پرتاب سنگ، پرتاب نارنجک، ضرب و جرح، این‌ها همه اعمال مجرمانه است؛ چه در ورزشگاه و چه در بیرون. یعنی تماشاگر فقط در چارچوب مقررات اجتماعی مجاز است تشویق بکند. بنابراین به کاربرد اصطلاحات موهن، فحاشی و الفاظ رکیک بدون تردید جرم بوده و مرتکب قابل مجازات است. صرف آمدن به ورزشگاه هرگز به معنی مصونیت از این گونه مسؤولیت‌ها نیست.

- آیا بحث حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، با توجه به مباحث مرتبط با حقوق زنان، وارد در موضوع حقوق ورزش است؟
بینید ورزشگاه یک مکان عمومی است که مقررات خاصی راجع به زنان، در مورد آن جاری نیست. اماکن عمومی جاهایی مثل سالن‌های تئاتر و سینما، سالن اجتماعات، رستوران‌ها، ورزشگاه‌ها و... هستند. آیا رفتن زنان به سالن‌های سینما ممنوع است؟ زن‌ها و دخترها تنها هم به آنجا می‌روند. تازه سینما تاریک هم هست. چرا ورود زنان به آنجا آزاد

است و چرا در ورزشگاه‌ها، اگر ما مکان مخصوصی برای بانوان تهیه کنیم که شأن آن‌ها رعایت شود، حضور بانوان ممنوع است؟ چه بسا که همسر، خواهر و یا مادر ورزشکارند و یا نه؛ شهروند عادیند که تمایل دارند مسابقه را از نزدیک تماشا کنند. من می‌خواهم این مطلب را عرض کنم که اگر حضور تماشاگران خانم با این شرایط، یعنی در مکان‌های مخصوص و در ورزش‌هایی که پوشش ورزشکاران نامناسب نیست، در ورزشگاه‌ها مهیا شود، چه مشکلی به وجود می‌آید. مسابقات فوتبال را به طور زنده و مستقیم از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌کنیم. پس معلوم است که این پوشش خلاف شرع نیست. ضمناً فاصله‌ی سکوه‌ای تماشاگران تا ورزشکاران زیاد است و در سال‌های گذشته خانم‌ها به تماشای مسابقات والیبال و بسکتبال هم می‌رفتند که پوشش آن ورزشکاران با پوشش فوتبالیست‌ها تفاوت چندانی ندارد. اگر حضور بانوان با توجه به این شرایط بازهم مشکل شرعی دارد که همه باید تسلیم شرع باشیم. نکته دیگر این است که بعضی‌ها استناد می‌کنند به بدآموزی. من سؤال می‌کنم که پس به چه دلیل اجازه می‌دهند بچه‌های چهار _ پنج ساله به ورزشگاه بروند؟ آن‌ها آسیب پذیرترند یا مثلاً یک خانم سی و پنج ساله؟ باید به این موضوع هم توجه کرد که خانم‌ها بیش از نیمی از جمعیت کشورند و ورزشگاه‌ها یکی از محل‌های تفریحی است که در کشور وجود دارد. حداقل از خیلی دیگر از اماکن عمومی، سالم‌تر است و تازه حضور خود خانم‌ها در آنجا به تجربه خود من می‌تواند موجب تلطیف و تعدیل خشونت‌ها بشود. وقتی که در ورزشگاهی که بیست هزار نفر تماشاگر دارد و پنج هزار نفر آن با خانواده‌اشان هستند، ایرانی مسلمان رعایت حرمت خانم‌ها را می‌کند؛ همان‌طور که در سایر جوانب هم این اتفاق می‌افتد.

- مبحث بعدی مسؤولیت تولیدکنندگان و فروشندگان لوازم ورزشی است که لطفاً در مورد آن هم توضیحاتی بفرمایید؟ ورزش از خطرناک‌ترین فعالیت‌های اجتماعی است و بسیاری از حوادث آن غیر قابل جلوگیری است، ولی بخشی از حوادث آن ناشی از نقص وسایل ورزشی است. اگر حادثه، ناشی از وسایلی مثل بارفیکس، وزنه، دوچرخه و... باشد، هم سازنده و هم فروشنده مسؤولند. در عین حال خریدار هم اگر مدیر ورزشی باشد یا معلم ورزش باشد و به رغم اطلاع از این اشکالات، به خاطر مثلاً صرفه جویی، وسیله‌ی غیر مرغوب بخرد و مثلاً به خاطر شکستن میله بارفیکس ورزشکار سقوط کرده و فوت بکند، همه‌ی این افراد بر حسب مورد، ضامن و پاسخگو هستند. وسایل ورزشی را باید مطابق استانداردهای علمی بفروشند و شرایط استفاده از آن را به مصرف کننده به طور کامل ابلاغ کنند. مثلاً در بروشورهایی

اعلام کنند که حداکثر وزنی که این میله بارفیکس تحمل می‌کند، یک‌صد کیلوگرم است که افراد سنگین‌تر از آن استفاده نکنند.

- آیا رجوع شهروندان به دستگاه قضایی در ایران به علت حوادث ناشی از نقص وسایل ورزشی، تناسب خاصی با حجم عظیم این‌گونه حوادث در کشور دارد یا خیر؟

- بله در حال حاضر به علت رشد فرهنگی که در زمینه‌ی ورزش وجود دارد، مثل سابق نیست که هر حادثه‌ای که اتفاق افتد، والدین فکر کنند که طبیعی است. در حال حاضر، پرونده‌های زیادی در مراجع قضایی داریم. مثلاً بچه‌ای که در استخر غرق می‌شود، والدینش اعلام شکایت می‌کنند. ناجی، سرناجی، مدیر ورزشگاه، همه احضار می‌شوند و به حبس و پرداخت دیه محکوم می‌شوند. بحث شکایت در واقع بستگی به میزان آگاهی و فرهنگ زیان دیده دارد. اشخاص ممکن است آگاهی‌های حقوقی نداشته باشند، نمی‌دانند که حقشان را چگونه باید اعمال کنند. وقتی که این‌گونه اطلاع‌رسانی‌ها صورت بگیرد و ما به مردم بگوییم که تولیدکنندگان وسایل ورزشی در مقابل شما ضامنند، هم فروشندگان و سازندگان حواسشان را جمع می‌کنند و هم شهروندان به حقشان آگاه می‌شوند و اعلام شکایت می‌کنند. این اطلاع‌رسانی از حقوق ورزش است.

- آیا یکی از موضوعاتی که به عنوان حقوق شهروندی باید توسط دستگاه ذی‌ربط مورد اطلاع‌رسانی عمومی قرار گیرد همین مسأله است؟

بله یکی از موارد حقوق شهروندی، این است که جامعه را به حقوق خودش آشنا کنیم که شما در قانون اساسی چه حق و حقوقی داری و چگونه باید از آن دفاع کنی.

_ به عنوان آخرین سؤال، در رابطه با بحث مسؤولیت پزشکان ورزشی و مخصوصاً در مورد پدیده دوپینگ، توضیحاتی را بیان بفرمایید؟

"دوپینگ" یعنی استفاده‌ی ورزشکار از مواد شیمیایی غیرمجاز. این عمل تا زمانی که در محدوده‌ی غیر مسابقات انجام بگیرد وارد در حقوق ورزشی نیست. استفاده از مواد شیمیایی نیروزای غیر مواد مخدر به‌طور کلی جرم نیست اما وقتی نوبت به مسابقه و رقابت جوانمردانه می‌رسد، دوپینگ می‌شود یک اقدام ناجوانمردانه. این اقدام که ضد اخلاق ورزشی است متضمن ضمانت اجرای انضباطی ورزشی است؛ یعنی محرومیت از مسابقات، پرداخت جریمه و مانند آن. در حال

حاضر در کشور ما مثل بسیاری از کشورها دوپینگ جرم محسوب نمی‌شود اما یک عمل مخالف مقررات و اخلاق ورزشی است که برایش ضمانت اجرای ورزشی در نظر گرفته‌اند.

اما در مورد این مسأله که دوپینگ چگونه انجام شده است، گاهی اوقات ورزشکار خودش رأساً این کار را انجام می‌دهد که در این صورت خودش فقط ضامن است. ولی گاهی اوقات ممکن است که این عمل را به هدایت پزشک تیم و یا مربیان انجام دهد که در چنین صورتی اگر ثابت شود آن‌ها هم دست اندرکار بوده‌اند، مقررات ضمانت اجرایی در مورد آن‌ها نیز اعمال می‌شود. اما اگر ورزشکار به خاطر دوپینگ صدمه ببیند، در این صورت اگر خودش رأساً اقدام کرده باشد که کسی ضامن نیست و اگر پزشک تیم او را هدایت کرده باشد، ممکن است که به اتهام ارتکاب جنایت به شکل تسبیب و یا سبب اقوی از مباشر مجازات شود.